



رایزنی‌های اسلامی در وین

محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و معاون رئیس جمهور در پیامی که در حساب شخصی خود در فضای مجازی به اشتراک گذاشت، نوشت: در حاشیه برگزاری شصت‌وهشتمین نشست سالانه کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فرصت مناسبی ایجاد شد تا نمایندگان جمهوری اسلامی ایران با مقامات عالی‌رتبه کشورهایمانظور توسعه همکاری‌های دوجانبه و دیپلماسی هسته‌ای دیدار و مذاکره داشته باشند. در روز گذشته با مقامات کشورهای روسیه، مجارستان، نروژ و همچنین مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت‌وگوهایی پیرامون توسعه همکاری‌ها داشتیم و انشالله در روزهای آتی نیز دیدارهایی با دیگر نمایندگان کشورهای عضو آژانس انجام خواهد شد. در نشست با رئیس شرکت دولتی روس اتم بر گسترش همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای و زمان‌بندی همکاری‌های توافق شده برای ساخت واحدهای ۲ و ۳ نیروگاه اتمی بوشهر بحث و تبادل نظر داشتیم.



تلاش برای حفظ کانال‌های دیپلماتیک در باره برجام

سخنگوی اتحادیه اروپا در گفت‌وگویی با تأکید بر اهمیت باز نگه داشتن کانال‌های دیپلماتیک به منظور ازسرگیری مذاکرات هدفمند احیای توافق هسته‌ای، درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران ابراز نگرانی کرد. «پیتر استانو» سخنگوی سرویس سیاست خارجی اتحادیه اروپا در گفت‌وگویی مطرح کرد که این نهاد اروپایی به منظور باز نگه داشتن کانال‌های دیپلماتیک برای بررسی فرصت‌های ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای هدفمند، با ایران و دیگر شرکای برجام (توافق هسته‌ای) فعالانه تعامل دارد. خبرگزاری ترند گزارش داد که استانو در گفت‌وگو با این رسانه بر نقش اتحادیه اروپا به عنوان هماهنگ‌کننده برجام ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و اهمیت دیپلماسی در سدیگی به مسائل پیچیده برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرد. او همچنین به «اعتماد عمیق» اتحادیه اروپا به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان نهاد بین‌المللی مسئول نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران اشاره کرد. این مقام اروپایی با اشاره به گزارش‌های اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره ایران، گفت که این موضوع باعث ایجاد نگرانی‌های جدی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران شده است.



همکاری ایران و روسیه در حوزه ایمنی هسته‌ای

رؤسا و معاونان نظام ایمنی هسته‌ای ایران و روسیه در نشست‌های در وین به بررسی راه‌های توسعه همکاری‌های متقابل پرداختند. «محمد رضا کاردان»، معاون سازمان انرژی اتمی ایران و رئیس مرکز نظام ایمنی هسته‌ای کشور با «الکساندر ترمیتسکی» رئیس مرکز فدرال نظارت بر محیط زیست و ایمنی صنعتی و هسته‌ای روسیه Rostechnadzor در حاشیه برگزاری شصت‌وهشتمین نشست سالانه کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین دیدار و گفت‌وگو کرد. این جلسه به منظور تعمیق و گسترش همکاری‌های متقابل میان مرکز نظام ایمنی هسته‌ای ایران و مرکز فدرال نظارت بر محیط زیست و ایمنی صنعتی و هسته‌ای روسیه با حضور رؤسای دو مرکز برگزار شد. همچنین در این جلسه پیشنهاد ایران برای ایجاد شبکه‌ای از نهادهای نظارتی هسته‌ای کشورهای عضو بریکس مورد استقبال طرف روس قرار گرفت و مقرر شد این پیشنهاد در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو بریکس مطرح شود.

عمق‌های مختلفی در آنجا موجود می‌باشد. این منطقه به واسطه گرمای فوق‌العاده در تابستان غیرقابل سکونت می‌باشد عشایری که در فصل تابستان در کوه‌های واقع در مشرق منطقه مزبور زیست می‌نمایند زمستان را در آنجا به سر می‌برند و نظر به اینکه یک قسمت مهم سال را در آنجا می‌گذرانند منطقه مزبور را مثل منزل خود تصور می‌کنند.

عشایر مزبور چادرهای خود را در آنجا زده و شتران و رمله‌های خود را در نزدیکی چاه‌ها نگاه می‌دارند نظر به اینکه بهار در آنجا زود شروع می‌شود عشایر همین که بره‌هایشان توانستند این مسافت‌های طولانی را سیر نمایند مجدداً به کوه‌ها می‌روند در زمستان چادرهای سیاه در اطراف هر چاهی شکل قریه به خود می‌گیرد در صورتی که در تابستان فقط قریه‌هایی از این قریه مهاجر باقی مانده و در بین آنها مار و عقرب حرکت می‌کند. آهوهایی زیبا که در زمستان در آنجا خیلی زیاد است در تابستان از آنجا خارج می‌شوند ولی منطقه مزبور که صحرا نامیده می‌شود در واقع این طور نیست زیرا گیاه درشتی در آنجا می‌روید که غذای شترها و گوسفندان عشایر بوده و یک نوع درخت‌های کوچکی در آنجا به عمل می‌آید که آن را ساکساول می‌نامند و به مصرف سوخت می‌رسد. در پاره ایام زمستان یک باد شمال خیلی شدید در آنجا وزیده و از یک هفته الی یک ماه لاینقطع ادامه پیدا می‌کند. در یزدان که در وسط منطقه مزبور واقع است علامت تمدن قدیم خراسان مشاهده می‌شود. در عهد قدیم چندین قنات که به چاه‌ها اتصال داشته و برای آوردن آب از مشرق به مغرب اختصاص داشت در آنجا وجود داشته و مناطق واقع در مشرق دغ‌پترکان مزروع بوده‌اند. فعلاً سه مزرعه موسوم به یزدان و نظر خان و کبوده در آنجا وجود دارد و فقط سه رشته از قنات قدیمه را دائر کرده‌اند. مزرعه‌های مزبور را هر گاه کلیه قنات تعمیر شود می‌توان توسعه داد و در آنجا ایرانی چادرنشین دیده نمی‌شود زیرا دهقانان ایرانی زارع می‌باشند.

تعداد اهالی این منطقه نامعلوم بوده و فقط عشایر مختلفی که اسامی آنها معروف است در آنجا وجود داشته و اهمیت آنها از تعداد چادرنشینان معلوم می‌شود. محل‌هایی که هر یک از عشایر در زمستان اشغال می‌کنند در نقشه نمره ۲ تعیین شده است.

بنا بر رأی فخرالدین آتای، در بخش شمالی، چشمه غشیلووشی و اراضی واقع در غرب آن که در دست افغان‌ها بود، متعلق به ایران شناخته شد، دریاچه نمکسار میان دو کشور از وسط تقسیم و خط فاصل میان دو تپه سیاه کوه مرز دو کشور تعیین شد تا هر دو کشور بتوانند از منابع نمک دریاچه استفاده کنند، چاه سرخ متعلق به افغانستان شناخته شد، موسی‌آباد که در دست افغانستان بود به دو بخش تقسیم شد: خاکی که چشمه در آن واقع است و اراضی که از این چشمه مشروب می‌شود همراه با دو بنای گلی به ایران و محل سکونت زمستانی عشایر واقع در روبه‌رو و جنوب و همچنین گورستان و چشمه‌های آن قسمت به افغانستان واگذار شد، دامنه‌های کوهستان شمتیخ نیز متعلق به افغان‌ها شناخته شد.

در بخش جنوبی، کال حوض میان دو کشور تقسیم شد. دو آب‌انبار آجری قدیمی در کال حوض که پنجاه متر با یکدیگر فاصله داشتند به‌عنوان پست مرزی تعیین شد که آب انبار غربی به ایران و شرقی به افغانستان واگذار شود. حاکمیت ایران بر یزدان و کبوده در دوازده کیلومتری جنوب آن که مورد اعتراض افغانستان بود، به رسمیت شناخته شد اما مزرعه نظر خان واقع در بین این دو روستا به افغانستان واگذار شد. در منطقه موسوم به دشت ناامید، حاکمیت ایران بر سرخ‌تیغ که مورد اعتراض افغانستان بود، به رسمیت شناخته شد. چاه سنگ به ایران واگذار شد و چاه مدم در خاک افغانستان باقی ماند. در بخش کوهستانی مرز، ارتفاعات به ایران تعلق یافت و قله‌های نسبتاً پست‌تر که به‌سوی دریاچه هامون امتداد می‌یافت به افغانستان. کوه اسپران که از آن سنگ آسیا استخراج می‌شد و چشمه آب شور اسپران به افغانستان و دشت اسپران به ایران تعلق گرفت.

رأی خود را در سال ۱۳۱۴ ابلاغ کرد که دو دولت پذیرفتند و مجلس شورای ملی نیز در سیزدهم مهر ۱۳۱۴ تأیید کرد. در اسناد حکمیت ژنرال آتای که به تصویب مجلس شورای ملی رسید، آمده است:

۱ ممالک ایران و افغان در ایام قدیم گاهی به طور متحد و گاهی به طور جداگانه زندگانی کرده و دارای یک زبان رسمی مشترک می‌باشند. سرحدات فعلی از انفکاک مناطقی که در تاریخ معروف خراسان در شمال و بلوچ در جنوب بود ایجاد گردیده ایرانی‌ها مدعی هستند مناطق سرحدی که هنوز تعیین نشده است جزء متعلقات ایالات شرقی ایران محسوب می‌شود در صورتی که افغان‌ها مدعی می‌باشند که مناطق مزبور جزو ایالت هرات است. برای اینکه خاتمه به این اختلاف داده شود انگلستان که آن ایام حامی دولت افغانستان بود در تاریخ ۱۸۹۰ ژنرال ماکلین را مأمور تعیین کرد که به وسیله ماکلین تعیین گردید مملکتین آن را قبول کرده‌اند به علامت سرحدی نمره ۳۹ منتهی می‌شود. چون ژنرال ماکلین نقطه منتهی‌الیه سرحد را در هریرود تعیین و همچنین پروتکل سرحدی روسیه و افغان نشان می‌دهد که سرحد روسیه کمی بالاتر در شمال در حوالی ذوالفقار شروع می‌شود لهذا هریرود واقع بین این دو نقطه باید سرحد را تشکیل دهد نظر به اینکه هریرود یک رود بزرگی است سرحد باید خط وسط‌المیاه آن را تعقیب نماید.

۲ در مورد وضعیت جغرافیایی منطقه مرزی از شمال به جنوب در اسناد ژنرال آتای آمده است: «سرحد مشترک بین روسیه شوروی و ایران از ذوالفقار شروع گردیده و از دشت اسلام‌قلعه و هشتادان عبور کرده و در طرف جنوب دره هریرود را تعقیب می‌نماید. دشت اسلام‌قلعه به وسیله هریرود و دشت هشتادان به وسیله چندین رشته قنات که ساختمان آنها قدیمی بوده و به واسطه چاه‌ها آب به آن می‌رسد، مشروب می‌شوند؛ منطقه مزبور دارای قنات و اراضی مزروعه بوده و عده عشایر چادرنشین در آنجا خیلی زیاد نیست. بعد یک رشته کوه‌های کوچکی از مشرق به مغرب امتداد پیدا کرده و در میان آنها دره‌ها و مناطق غیرمسکونه وجود دارد.

بین قراء ایرانی و قراء افغانی یک منطقه لم‌بزرع که مساحت آن قریب یکصد کیلومتر می‌شود در طرف جنوب واقع است. در آنجا دریاچه شور موسوم به نمکسار که در جنوب آن یک جلگه وسیع و دریاچه موسوم به دغ‌پترکان واقع بوده و در دنباله آن یک جلگه دیگر پهن‌تر کم‌ارتفاعی وجود دارد. از این دشت آخرین سلسله کوه‌ها دارای پست و بلندی که جزو کوه‌های هندوکش می‌باشد نمایان بوده و به طرف جنوب غربی امتداد پیدا می‌کند محل مزبور یک فرورفتگی بین سلسله طولیل کوه‌های انتهایی غربی ایران و کوه‌های افغانستان تشکیل می‌دهد.

اختلاف بزرگ موجوده بین وضعیت اختصاصی و کوه‌های هر یک از دو طرف کاملاً در جلگه آشکار است بعد دشت لم‌بزرع که ایرانی‌ها دشت ناامید و افغان‌ها دغ‌نمدی می‌نمایند، در طرف جنوب در یک مساحت بیش از هشتاد کیلومتر امتداد یافته و در انتهای جنوبی آن محل یک دریاچه موسوم به دغ‌تندی وجود داشته و در بهار آب‌هایی که از کوه‌های هم‌جوار جاری می‌شود در محل مزبور جمع می‌گردد. دریاچه مزبور در فصل تابستان خشک می‌شود و بعد اراضی مختصر ارتفاعی پیدا کرده و کوه‌های پست و بلندی که از هم دور هستند، مشاهده می‌شوند. دره‌ها به طرف جنوب امتداد پیدا کرده و به دریاچه هامون که در مشرق به وسیله دشت لم‌بزرع و در مغرب به وسیله کوه‌های مرتفع احاطه شده است، منتهی می‌گردد. در قسمت‌های مسطح این منطقه وسیع ارتفاع متوسط زمین از دریا ۷۰۰ متر بوده؛ در صورتی که ارتفاع پاره از کوه‌ها از ۱۵۰۰ متر متجاوز می‌باشد.

۳ جز سه مزرعه که در یزدان موجود است در این منطقه وسیع هیچ محل مسکون و مزروعی مشاهده نمی‌شود ولی چند چاه و چشمه آب شیرین و شور با

کشور کاهش نیابد هم مجاز شمرده شد. وزارت امور خارجه ایران در نامه‌ای به تاریخ فوریه ۱۹۰۵ به وزارت امور خارجه انگلستان، به تصمیم مک ماهون اعتراض کرد و اعلام کرد که یک‌سوم آب هیرمند برای ایران کافی نیست و اعلام کرد با توجه به میزان کشاورزی دو کشور، باید دو‌سوم آب به ایران و یک‌سوم به افغانستان داده شود. علاوه بر این، تنها بر دولت ایران تصریح شده بود که بدون رضایت افغانستان، حق ندارد سهم خود را از آب هیرمند به کشور ثالث واگذار کند. اما از آنجا که چنین شرطی برای افغانستان قید نشده بود، طرف ایرانی این قضیه را توهین‌آمیز خواند. اعتراض دیگر ایران این بود که مک ماهون ترتیبی داده بود که یک مهندس دائمی در کنسولگری بریتانیا در سیستان حضور داشته باشد تا اختلافات بعدی را حل کند. ایران چنین تصمیمی را مغایر با حق حاکمیت خود می‌دانست. در نتیجه، ایران حکمیت ژنرال مک ماهون را نپذیرفت و همان ترتیب توزیع برابر آب رسماً حفظ شد. در عمل سهم ایران بیش از نصف بود و گاهی سه‌چهارم یا بیشتر به ایران می‌رسید که همیشه باعث اعتراض در افغانستان می‌شد. افغانستان در آن دوره از توان ایجاد سد و نهر بیشتر بر روی هیرمند برخوردار نبود و عملاً بخش عمده آب هیرمند به پایین دست می‌رفت و سهم ایران می‌شد. با این حال در دوره‌های خشکسالی ایران نیز دچار کم‌آبی می‌شد.

اختلافات و حتی درگیری ساکنان دو طرف ایران و افغانستان بر سر آب هیرمند ادامه داشت. در زمان رضاشاه پهلوی که دو کشور برای نزدیک شدن به یکدیگر گام برداشتند، در سال ۱۳۱۲ در زمان سلطنت محمدنادرشاه در افغانستان و رضاشاه در ایران مذاکراتی را در مورد اختلافات بر سر مرز و حقایق هیرمند آغاز کردند که منجر به حل اختلافات مرزی در سال ۱۳۱۵ شد. چون مذاکرات در مورد حقایق هیرمند ممکن بود طولانی شود، دولت‌های ایران و افغانستان نمایندگان خود را به محل اعزام کردند و در ۱۲ اسفند ۱۳۱۴ با امضای یک پروتکل موقت موافقت کردند که هر مقدار آب به سدکمال خان می‌رسد به‌طور مساوی بین دو کشور توزیع شود. علی محمدخان، وزیر امور خارجه افغانستان اعلامیه مشترکی را در کابل امضا کرد که در آن دو کشور توافق کردند هر سال مقدار آب رودخانه هیرمند که به بند کمال خان می‌رسد از آن بند به بعد به طور مساوی بین هر دو طرف تقسیم شود. یک روز پس از امضای این اعلامیه، ارتباط مستقیم تلگرافی ایران و افغانستان از طریق دو ایستگاه تلگراف برقرار شد. حکومت افغانستان برای اینکه بیشتر از مقدار آبی که در آن زمان گرفته شده بود مصرف نشود، متعهد شد که آبراه جدیدی در فاصله ده چهار برج تا بندکمال خان ایجاد نکند. علاوه بر این، هر دو دولت ایران و افغانستان متعهد شدند که از بند کمال خان تا ده دوست محمدخان که آخرین تقسیم آب بود، هیچ اقدام و عملیاتی انجام ندهند که سهم هر یک از طرفین را کاهش دهد. شورای ملی ایران در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۸ این اعلامیه را تصویب کرد، اما مجلس افغانستان از تصویب این اعلامیه خودداری کرد و پس از آن، افغان‌ها به مهندسی رودخانه‌هایی که ایشان به هیرمند می‌ریخت پرداختند که ایران را از بیشتر آب هیرمند محروم کرد. افغان‌ها مسیر آب خواجه‌علی و قاضی شیرجان را مسدود کرده و به سمت نهرهای تازه منحرف کرده بودند و اندک آبی که از این محل می‌گذشت به بند گوگک می‌رفت.

از سوی دیگر، اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ و اشغال ایران به مشکلات سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ جهانی دوم و دگرگونی اوضاع سیاسی کشور، فرصتی برای افغانستان بود تا بر خلاف تعهدات قبلی آب رودخانه هیرمند را به سمت اراضی خود هدایت کند. پرداخت مناسبات ایران و افغانستان که در دوره رضاشاه بسیار بین دو کشور نزدیکتر شده بود، در زمان محمدرضاشاه با اختلاف بر سر حقایق هیرمند با چالش بیشتری آغاز شد.

اختلاف بر سر مرز و حکمیت ترکیه

جداً از موضوع آب هیرمند در سایر نقاط مرزی نیز اختلافاتی میان ایران و افغانستان وجود داشت. بر سر همین اختلافات شانزدهم اسفند ۱۳۱۲ قراردادی میان محمدتقی اسفندیاری، سفیرکبیر ایران در کابل و فیض محمد خان، وزیر امور خارجه افغانستان امضا شد که حل اختلافات و تعیین کامل مرز دو کشور را به حکمیت دولت ترکیه سپرد و طرفین موافقت کردند که هر نظری را که دولت ترکیه اعلام کند، نظر قطعی بدانند و به آن عمل کنند. ترکیه در این دوره با هر دو کشور روابط خوبی داشت و هر دو شاه ایران و افغانستان نیز در همین سال‌ها به ترکیه سفر کردند اما امان‌الله خان در این سفر و رابطه بر رضاشاه مقدم بود. علاوه بر آن براساس روابط سنتی افغانستان و خلافت عثمانی که بر مسائل مذهبی استوار بود ترکیه نیز در افغانستان دارای نفوذ بیشتری بود.

دولت ترکیه ارتشید فخرالدین آتای را به عنوان حکم معرفی کرد که در سال ۱۳۰۷ هنگام سفر امان‌الله خان و همسرش ثریا به ترکیه، مهماندار رسمی آنان بود. ارتشید آتای در جریان سفر رضاشاه به ترکیه نیز با رضاشاه رابطه خوبی پیدا کرده بود. ارتشید آتای پس از مطالعات محلی و بررسی اسنادی که دو کشور در اختیار او گذاشتند و همچنین مطالعه درباره بافت جغرافیایی و تاریخی منطقه،



امان‌الله خان، شاه افغانستان در خرداد ۱۳۰۷، یک هفته در تهران رضاشاه بود